

مطالعة تحليلی همنشینی نقش گیاه
زنبق و خشخاش بر ظروف زرینفام
عصر صفوی از منظر اجتماعی / ۷۳-۸۷



تصویر سمت راست نگاره ایرسا در
نسخه الحشایش دیسکوریدوس، کاخ
گلستان، شماره ۲۲۵۱، قرن یازدهم
هجری، مأخذ: چاپ عکسی از نسخه
تصویر سمت چپ گیاه ایرساو
سوسن، نسخه الحشایش، قرن دهم
و یازدهم هق، محفوظ در کتابخانه
مجلس، شماره ۸۹۳۰۵، مأخذ:
www.ical.ir



مطالعه تحلیلی همنشینی نقش گیاه زنبق و خشخاش بر ظروف زرینفام عصر صفوی از منظر اجتماعی

سیده مریم پور صالح امیری* سید سعید سید احمدی زاویه**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۹

صفحه ۷۳ تا ۸۷

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

ظروف زرین فام عصر صفوی جزئی از آخرین شاهکارهای زرین فام ایرانی است که با عرصه‌های متفاوت در تصویرگری تظاهر یافت. نقوش گیاهی و بخصوص تلازم نقش دو گیاه خشخاش و زنبق در ظروف زرین فام این دوران به وفور قابل مشاهده است. تکرار نقش گیاه خشخاش را می‌توان مرتبط با وضعیت جامعه‌ی عصر صفوی در مصرف آرام بخش‌هایی از جنس مخدرات دانست. تداول استعمال انواع افیون‌ها در این عصر سبب شد تا اطبا و عطاران آن دوره برای کاهش مضرات مخدرات به فکر چاره‌ای دارویی باشند. نقش گیاه زنبق نیز از پر بسامدترین نقوش این دوران است که در آثار هنری متفاوت مشاهده می‌شود. هدف این جستار دستیابی به دلالت‌های مفهومی نقش خشخاش و زنبق با توجه به اوضاع اجتماعی و تبیین علت همراهی نقش این دو گیاه بر ظروف زرین فام است. بر این اساس تحقیق به سؤالات ذیل پاسخ می‌دهد: ۱. کدام جریان اجتماعی مرتبط با تصویرگری این دو نقش بر ظروف زرین فام صفوی بوده است؟ ۲. جایگاه نقش دو گیاه زنبق و خشخاش در تاریخ پزشکی دوران صفوی چگونه تبیین می‌گردد؟ روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی و شیوه جمع‌آوری اطلاعات بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، با استناد به منابع دست‌اول صورت یافته است. نتایج کلی پژوهش حاکی از انتساب دو نقش خشخاش و زنبق پیوسته با رفتارهای اجتماعی چون رواج مخدرات عصر صفوی است. از سوی دیگر التزام این دو نقش را می‌توان تبلوری از تاریخ پزشکی دانست زیرا با استناد به منابع موثق طبیبی کهن در دوره اسلامی و منابع پیش از اسلام، گیاه زنبق به جهت ویژگی زایل کنندگی افیون کاربرد داشته است. در نتیجه هم‌جواری این دو نقش نه به لحاظ زیبایی بلکه در تظاهرات ارتباطات پزشکی است که از ساختاری اجتماعی منبعث گشته است.

کلیدواژه‌ها

گیاه خشخاش، گیاه زنبق، ظروف زرین فام، طب اسلامی، دوره صفوی.

* دانشجوی دکتری، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران. شهر تهران، استان تهران

Email: Maryamamiri867@gmail.com

Email: szavieh@art.ac.ir

** دانشیار، دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر، دانشگاه هنر تهران. شهر تهران، استان تهران

مقدمه

زرین‌فام و نفوذ عناصر اجتماعی و علمی این رویداد به نگارش درآمده است. در این پژوهش به این سؤالات پاسخ داده خواهد شد؛ ۱. کدام جریان اجتماعی مرتبط با تصویرگری این دو نقش بر ظروف زرین‌فام صفوی بوده است؟ ۲. جایگاه نقش دو گیاه زنبق و خشخاش در تاریخ پزشکی دوران صفوی چگونه تبیین می‌گردد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش در باب نقوش و انواع ظروف زرین‌فام این دوران از آن جهت است که پژوهشگران ایرانی و خارجی کمتر به کشف و دریافت رابطه نقوش با توجه به پارادایم‌های عصر و مؤلفه‌هایی چون پدیده‌های اجتماعی، تسلط مذهب، نفوذ علم و خصوصاً فهم دقیق از متون کهن پرداخته‌اند. این پژوهش با نگرشی متفاوت به قرائت آثار، آن‌ها را از نو بازخوانی کرده و علت و معلول‌های تصویرگری نقوش را در پس رویدادهای اجتماعی و اکاوی می‌نماید.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی نقش دو گیاه زنبق و خشخاش بر ظروف زرین‌فام صفوی انجام شده است. شیوه گردآوری اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مشاهده صورت پذیرفته است. جامعه آماری تحقیق شامل ظروف زرین‌فام محفوظ در موزه بریتانیا و موزه ویکتوریا و آلبرت بوده و ۱۰ نمونه معرفی شده به شیوه انتخابی از ظروف زرین‌فام عصر صفوی دارای تصاویر خشخاش و زنبق است. تفسیر و تأویل نقوش به وسیله تطبیق تصاویری از نسخ طبی به همراه استدلال‌های منابع طبی دانشنامه‌ای انجام شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق بر مبنای مطالعات کیفی است.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌های بسیاری توسط محققان در باب سفال و کاشی‌های زرین‌فام صورت پذیرفته است. موضوعات قابل توجه این مقوله؛ مبدأ و خاستگاه این نوع سفال و بررسی دوره‌های شاخص آن از جمله سلجوقی، ایلخانی و صفوی در آن میان به چشم می‌خورد. با این وصف در باب بررسی و تحلیل نقوش انواع ظروف و کاشی زرین‌فام بیش از همه به نقش انسان، حیوانات و تأثیر ادبیات بر تصویرگری پرداخته شده و توجه چندانی به نقوش گیاهی صورت نپذیرفته است؛ اما برخی مطالعات هم‌سنخ و هم‌سو که در این پژوهش از آن‌ها بهره برده شده عبارت‌اند از: مقاله «بررسی نقوش سفالینه‌های زرین‌فام و ظروف فلزی دوره سلجوقی و ایلخانی و بازتاب زندگی اجتماعی آن عصر» منتشر شده در نشریه نگره، شماره ۴۷ (۱۳۹۷). در این مقاله به مقایسه تطبیقی با اعصار پیشین اشاره شده و بازتاب

آثار هنری از جنبه‌ای، شواهدی مادی و ملموس از ارزش‌ها و جذابیت‌های موجود در یک جامعه است که تعاملات انسانی و تحولات اجتماعی را در ماهیت تصاویر و نگاره‌ها نمایان ساخته‌اند. علاوه بر این هنرمند تصویرگر تحت تأثیر متن، طبیعت، سلیقه فردی و سلیقه سفارش‌دهنده اثر، در پی پاسخ به کنش‌های جامعه است. بر این اساس، تحلیل آثار هنری وابسته به بررسی بستر زایش و شرایط محیطی و بدون در نظر گرفتن اعتقادات و سنت‌های حاکم بر اجتماع، تبیین و تحلیل تصاویر میسر نخواهد بود؛ زیرا محصولات هنری پیام‌هایی از رویدادها و رفتارهای انسانی تلقی می‌شوند که در بستری از نمادها تجلی یافته‌اند. در جامعه نوگرایی صفوی عوامل بسیاری در اعتلای هنر و فرهنگ تأثیرگذار بوده اما در این میان مقولاتی چون مذهب، سیاست و فرهنگ نقش بسزایی داشته‌اند.

یکی از ویژگی‌های مهم دولت صفوی تأکید بر مذهب بود که رویه سیاسی خویش را حول محور مذهب تشیع بنا نهاد. گرایش‌های دینی و مذهبی بر مناسبات اجتماعی سایه افکنده بود. رواج مذهب تشیع توسط فرمانروایان متصفه صفوی سبب وثوق مردم بر مذهب تشیع و التفات به فتوای مراجع گشت. از این رو اعمال احکام فقهی شرع توسط حکومت به اجرا گذاشته می‌شد. با وجود وقع نهادن بر دستورات شرعی توسط پادشاهان صفوی، مبنای اجرای احکام متفاوت بود. یکی از معضلات جامعه صفوی که در بحبوحه مذهبی دوران ثبات نیافت مصرف مخدرات در این عصر است. در مباحث فقهی اسلام در باب استعمال مواد مخدر حکم قطعی به منع مخدر وجود نداشت اما در روایاتی از کتب معتبر فقهی پیشین چون کتاب لمعه دمشقیه که حکم بر حرمت هر چیز سکرآور داده شده است، تبعات گناهان مطرح شده‌ی واژه بنگ نیز در کنار شراب منجر به استخراج فتوایی توسط علمای عصر صفوی گردیده بود؛ اما وجود رسالات بسیاری در این عهد چون؛ التنباکیه، الدخانیه و رساله القهوه، حاوی مباحث دینی در باب مصرف تنباکو، توتون، قلیان و مصرف قهوه نشان از حساسیت‌های دینی در این امور دارد. از سویی در میان مردم مذهبی و متدین ممنوعیت استعمال شراب موجب شد تا آن‌ها به تفریحات دیگری چون انواع نوشینی‌ها و خوردنی‌های شادی‌آور در قهوه‌خانه‌ها و کوکنار^۱ خانه‌ها روی آورند. چنین هنجار و ناهنجاری‌های برساخته اجتماع نقش بنیادینی در خلق آثار هنری این دوران داشته‌اند. شناسایی این کنش‌های انسانی موجب خوانش‌های متنوعی از آثار می‌گردد که به دریافت واقعیت تاریخی می‌انجامد.

پژوهش حاضر باهدف بازنمایی و کشف مفاهیم چندوجهی از دو نقش خاص پرتکرار متلازم بر ظروف

۱. عصاره پوست لخشخاش که کوکنار نامند. (مؤمن تنکابنی، ۱۳۴۹: ۳۴۴)



هنرهای عصر تیموری و ایلخانی بوده‌اند اما عناصر تشیع اثنی‌عشری از خصوصیات برجسته آنان در آثار برجای‌مانده است. وجهه مذهبی حکام سبب می‌شد تا در امور روزمره به احکام شرع تأسی نمایند. از سویی تحریم شرع اسلام در ممنوعیت تجمل‌پرستی در مغایرت با رفتارها و مناسک درباری قرار داشت. از همین زمان ظروف مرصع شده زرین و سیمین میانه اسلامی که به‌عنوان کالایی تجملی قلمداد می‌شد به دلیل تحریم شرعی جای خود را به ظروف زرین‌فام^۱ سده‌های میانه سپرد تا تالو و درخشش زرگون آن آرایشگی سلاطین را مرتفع سازد؛ بنابراین این رفتارهای متکلفانه در سطحی خفیف‌تر و یا به انحاء دیگر در آثار متجلی می‌گشت. تولید انبوه ظروف ارزشمند زرین‌فام این دوره از سوی طبقه بلندمرتبه و متمکن جامعه نشان از اسلوبی پرطمطراق در جامعه داشت که جایگزین ظروف پرتجمل اعصار پیشین گشت. «در مورد منشأ ساخت اولیه این ظروف محققان، کشورهایی مثل ایران، مصر و عراق را پیشنهاد داده‌اند. پوپ معتقد است که مرکز و منشأ اصلی ظروف زرین‌فام ایران و شروع آن از شهر معروف اسلامی ری بوده است.» (کیانی و کریمی، ۱۳۶۴: ۴۴)

اثبات این مدعی مکتوباتی در باب روش‌های ساخت مینای زرین‌فام است که در قرون اولیه در ایران ترقیم شده‌اند. تا مدتی پیش نسخه جواهر نامه نظامی (۵۹۲ ه.ق) تألیف محمدبن ابی‌البرکات جوهری نیشابوری و رساله عرایس الجواهر تألیف ابوالقاسم کاشانی مشهورترین نسخه‌ها درباره مینای زرین‌فام قلمداد می‌شدند؛ اما «در سال‌های اخیر با پیدایش کتاب «الدره المکنونه» در کتابخانه ملی فرانسه می‌توان گفت که قدیمی‌ترین سند مکتوب در رابطه با فناوری ساخت مینای زرین‌فام است. کتاب فوق متعلق به قرن دوم هجری قمری و مؤلف آن دانشمند بزرگ جهان اسلام جابر بن حیان است.» (شکر پور و شفیعی، ۱۳۹۸: ۱۸۰) با توجه به ۲۶ دستورالعمل جواهر نامه نظامی و فصل کاشیگری عرایس الجواهر و ۱۱۸ دستورالعمل ترکیب «دره‌المکنونه» که فنون متفاوت و متنوعی برای ساخت این نوع ظروف ارائه داده‌اند. ماحصل جملگی، وجود ظروفي با درخشندگی زرین و برخورداري از لعابی براق در سده‌های میانه بود؛ که البته «در دوره سلجوقی و ایلخانی عموماً طرح‌های اصلی ظروف فلزی و سفال‌های زرین‌فام به انسان و حیوان تعلق دارد.» (رایگانی و پاکباز کتج، ۱۳۹۷: ۳۳)

«پس از سده هشتم هجری روند تولید سفال زرین‌فام موقعیت برجسته خود را از دست داد.» (Fehrevari, 2000: 289) «اما تکنیک این شیوه به‌طور کامل از بین نرفت زیرا که یک گروه ممتاز از ظروف با لعاب زرین‌فام مسی مربوط به نیمه دوم قرن یازدهم هجری

جامعه تولیدکننده آن‌ها بر پایه نظریات جامعه‌شناختی صورت گرفته است. این مقاله به دوران پیش از صفوی پرداخته بنابراین نمود آثار بر مبنای جوامع پیش از عصر صفوی است. مقاله «بازتاب شکل‌گیری یک پدیده اجتماعی بر سفال‌های زرین‌فام دوره سلجوقی، پیدایش طبقه متوسط و مردمی شدن هنر» که توسط نشریه مطالعات تاریخ فرهنگی شماره ۹ (۱۳۹۰) منتشر شده به عامل رشد طبقه متوسط به‌عنوان یکی از دلایل ظهور و نیز سبب رونق تولید سفال زرین‌فام در عصر سلجوقی می‌پردازد که خود سرآغاز دسترسی همگانی به هنر و تمایل به ترسیم موضوع‌های روزمره و واقع‌گرا در این دوره است. مقاله «بازتاب رهیافت‌های فرهنگی و اجتماعی عصر ایلخانی بر کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان» که در نشریه هنرهای تجسمی و کاربردی شماره ۱۱ (۱۳۹۲) منتشر شده به ارتباط میان تحولات اجتماعی و هنر در کاشی‌های زرین‌فام تخت سلیمان با رویکرد تحلیل گفتمان قدرت می‌پردازد. از این رو هم به لحاظ دوره و هم نوع بررسی نقوش با مقاله مورد پژوهش متفاوت است. مقاله «مواد مخدر در ایران عصر صفوی» منتشر شده توسط مجله اخلاق و تاریخ پزشکی شماره ۴ (۱۳۸۹) به جوانب متفاوتی از رویداد مخدرات عصر صفوی اشاره دارد. این مقاله به شرح مبسوطی از انواع مواد مخدر مصرفی، گسترش آن در بین توده مردم و بازخورد حکومت و دربار با آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌دهد. مقاله‌ای نیز با عنوان «مقایسه تصویرسازی علمی نسخه حشایش آستان قدس رضوی با تصاویر عینی گیاهان دارویی» در نشریه نگره شماره ۵۵ (۱۳۹۹) به تطبیق تصاویری از نسخه کتاب حشایش با تصاویر واقعی در طبیعت پرداخته است. این مقاله به لحاظ مضمون با پژوهش حاضر همسویی دارد. نکته قابل توجه در نتیجه مقاله که تصویرسازی را به‌طور کامل بر واقعیات منطبق ندانسته و تصویرگری هنرمند را گاه بر اساس تقلید یا تصورات ذهنی می‌داند تأییدی بر فرضیات تحقیق حاضر است.

کتاب «سفال زرین‌فام ایرانی» تألیف الیور واتسون که در سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات سروش منتشر شده صرفاً به توضیحاتی در سبک و معرفی نقوش زرین‌فام پرداخته است. همچنین کتاب «هنر سفالگری اسلامی» به نگارش محمد یوسف کیانی و فاطمه کریمی منتشر شده در سال ۱۳۶۴ توسط انتشارات مرکز باستان‌شناسی ایران منحصرأ نقوش زرین‌فام را در موقعیت مکانی طبقه‌بندی نموده است.

ظروف زرین‌فام آثار شاخص هنر عصر صفوی
هنر صفوی را از نفاست آثار معماری و صنایع تزئینی و نگارگری می‌توان شناخت. گرچه آن‌ها دنباله‌روی

۱. لعاب زرین‌فام یا لعاب‌هایی با جلای فلزی لایه‌ای نازک از اتم‌های فلزات درخشان است که بر سطح لعاب پایه (لعاب آپک؛ سربی-قلعی) ایجاد می‌گردند و سفال بعد از پخت لعاب، سطحی مانند فلز جلا داده شده یافته و مانند آینه عمل می‌کند دلیل این ویژگی آن است که در اثر احیای نمک‌ها و اکسیدهای فلزی، فلز خاص بر روی سطح لعاب قرار گرفته و به زیبایی می‌درخشد. سطح لعاب‌های معمولی مانند فیلتر عمل کرده و نور را جذب می‌کنند بنابراین هیچ درخششی ندارند ولی سطح لعاب زرین‌فام به‌گونه‌ای است که نور تقریباً به‌طور کامل از روی آن منعکس می‌گردد. (Clinton, 1991: 20)



تصویر ۲. گیاه ایرسا سوسن، نسخه الحشایش، قرن دهم و یازدهم هـ.ق، محفوظ در کتابخانه مجلس، شماره ۸۹۳۰۵، مأخذ: www.ical.ir



تصویر ۱. نگاره ایرسا در نسخه الحشایش دیسقوریوس، کاخ گلستان، شماره ۲۲۵۱، قرن یازدهم هجری، مأخذ: چاپ عکسی از نسخه (۱۳۸۳)، انتشارات تصویر نسخ خطی موزه ملی تاریخ علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

گیاهان درهم پیچیده و تنیده نباتی به صورت منفرد و گاه مابین نقوش انسانی و حیوانی فضاهای را مملو ساخته است. پربسامدترین تزئینات این نوع ظروف شامل حیوانات، پرندگان، درختان سرو و گونه‌های متنوعی از گل‌هاست که به صورت فشرده و درهم اما با چینشی خاص و چشم‌نواز در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. ویلسن آلن^۱ معتقد است این «طرح‌ها از حاشیه‌های طلایی با چشم‌اندازی از نقش گل‌های شقایق، درخت سرو و درخت شکوفه، برگ‌های نوکتیز و دسته‌های علف و حیوانات و در حاشیه نقش نوارهایی از فرم منظم اسلامی تزئین شده است» (آلن، ۱۳۸۳: ۵۰).

به نظر می‌رسد زرین‌فام صفوی با تحولی خاص در نقوش، عرصه تصویرگری نقوش گیاهی است. در عین حال می‌توان این نمایه‌ها را حاصل دل‌مشغولی‌های اجتماعی عصر خواند؛ زیرا که نقش گل خشخاش^۲ به دفعات در انواع ظروف این عصر قابل مشاهده است. این نگاره پرتکرار با گل‌های کاسه‌ای شکل و برگ‌های سبز کنگره‌ای آشکارا قابل شناسایی است. در مجاورت گیاه خشخاش گل دیگری بر ظروف صفوی دیده می‌شود. گیاه زنبق (ایرسا یا سوسن) گیاهی است که اغلب در گداگرد گیاه خشخاش خودنمایی می‌کند.

شناخته شده است» (Canby, 1999: 159) در همین زمان وفور چینی‌هایی از نوع آبی و سفید نیمی از محصولات بازاری و مصرفی را شامل می‌شد. «در سال‌های پایانی سده هشتم هجری نفوذ چینی‌های آبی و سفید ساخته با کائولین یا خاک چینی از کشور چین بر آسیای میانه و ایران نشر یافته و در آن نواحی به حداعالی خود رسیده بود» (فریه، ۱۳۷۴: ۲۶۵) به جز عناصر خاور دور چون اژدها، عناصر طبیعی (ابر و آب) و نقوش انتزاعی، نقوش گیاهی مانند گل نیلوفر، گل صدتومانی، گل شاه‌عباسی، درختان بید و انسان بر این ظروف نگاشته می‌شد. «می‌توان گفت حس مخالفت بانفوذ ظروف چینی سفیدآبی بر تفاوت طرح در ظروف زرین‌فام آشکار شده و گسترش یافته است. چنان‌که دیگر سفالینه‌های زرین‌فام صفوی هیچ‌یک از عناصر طرح‌های شرق دور را نشان نمی‌دهند، بلکه بر مبنای شیوه‌های خاورمیانه‌ای ساخته شده‌اند» (واتسون، ۱۳۸۲: ۲۳۴).

نقوش ظروف زرین‌فام صفوی

نقوش گیاهی در همه دوره‌های تولید زرین‌فام مورد استفاده قرار گرفته است اما در دوره متأخر خویش یعنی صفوی و قاجار، تصاویری از نقوش

1. Wilson Allan
2. opium poppy



۱. گیاه زنبق «در مصر باستان سمبل قدرت بود... در تمام ادوار در میان نماد قدرت پادشاهان و فرمانروایان جای داشت زیرا سه گلبرگ آن نماد ایمان، خرد و شجاعت هستند. نام این گل‌ها از الهه یونانی رنگین‌کمان گرفته شده است. گیاه زنبق بر روی قبر زن‌ها نقش می‌شد زیرا یکی از وظایف زنبق این بود که روح زنان مرده را به سرزمین بهشت هدایت کند» (میت فورده، ۱۳۸۸: ۵۴) و (E. Lehner, 2003: 64) و «زنبق رقیب سوسن به‌عنوان گل باکرگی است. اولین بار به‌عنوان یک نماد مذهبی در آثار استادان فلاندر ظاهر می‌شود. هر دو همراه‌اند و سپس در تصاویر باکرگی جایگزین سوسن می‌شود. این نماد از این واقعیت ناشی می‌شود که زنبق به معنای «شمشیر سوسن» به‌عنوان کنایه از غم و اندوه باکره در مصائب مسیح گرفته شده است. نقاشان اسپانیایی زنبق را به‌عنوان صفت ملکه بهشت و همچنین مفهوم معصومیت می‌دانند» (Ferguson, 1961: 32) به کار گرفتن این نماد در بسیاری از کشورهای جهان به‌خصوص اروپا متداول بوده است. لیلیوم کاندیدوم گل ملی کشور واتیکان است و نیز «نماد پادشاهی فرانسه احتمالاً یک زنبق انتزاعی است» (میت فورده، ۱۳۸۸: ۱۰۹) نماد این گل بر روی نشان خانواده‌های سلطنتی فرانسوی و نشان خانواده معروف مدیچی وجود دارد.



تصویر ۳ گیاه ایرسا از نسخه الحشایش کتابخانه وین اتریش، ۱۵۱۲ م. مأخذ: Der Wiener Dioskurides www.facsimilefinder.com

تصویر ۴. نگاره خشخاش در نسخه الحشایش دیسکوریدوس، کاخ گلستان، شماره ۲۲۵۱، قرن یازدهم هجری، مأخذ: چاپ عکسی از نسخه (۱۳۸۳)، انتشارات تصویر نسخ خطی موزه ملی تاریخ علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.

گیاهی است که برگ او مانند برگ سوسن برّی است لکن بزرگتر است و عریض‌تر و شکوفه‌های او مشابه شکوفه سوسن برّی است و رنگ او آسمانگون است؛ یعنی رنگ او رنگ قوس و قزح است» (دیسکوریدوس، ۱۳۹۱: ۳۱)، (تصاویر ۲ و ۳)

در منابع جدید نیز توصیفات در باب انواع و اشکال گیاه زنبق با منابع طبّی کهن همخوانی دارد. گیاه زنبق در کتاب گیاهان دارویی چنین آمده است: «تیره زنبق دارای تقریباً ۱۵۰۰ گونه است که در ۶۰ جنس جای دارند. گیاهانی علفی و دارای ریزوم با غده‌های زیرزمینی به اشکال مختلف و یا بندرت دارای اعضای چوبی هستند و برگ‌هایی غالباً عاری از دم برگ ولی منتهی به غلاف دارند، به‌نحوی که در اغلب موارد غلاف برگ‌های فوقانی قسمتی از غلاف برگ‌های تحتانی خود را می‌پوشاند. گل‌های آن‌ها نر و ماده به رنگ‌های مختلف، منفرد و یا مجتمع به‌صورت گل‌آذین‌های گرزنی یک‌سویه، سنبله و یا خوشه‌اند. پوشش گل آن‌ها شامل ۲ ردیف ۳ تایی از قطعات گلبرگ مانند است. منحصراً ۳ پرچم دارند. کلاله آن‌ها ۳ شاخه و غالباً گلبرگ مانند و میوه آن‌ها پوشینه است. پراکندگی آن‌ها به صورتی است که در نواحی مختلف کره زمین مخصوصاً در آفریقای جنوبی

تطبیق تصویر گیاه زنبق^۱ و خشخاش در منابع علمی و تطبیق با طبیعت

برای شناخت صورت گیاهان و قیاس آن با طراحی نقش سفالینه‌ها، از منابع کهن طبّی که آن‌ها را با نوشتار توصیف نموده و یا تصویری از آن‌ها در خود دارند و نیز منابع جدید علمی و فارماکوپه‌های گیاهان دارویی بهره برده شده است.

گیاه زنبق (ایرسا)

در توصیف ظاهر گیاه زنبق در قانون و مخزن الادویه چنین آمده است: «ایرسا بیخ سوسن جیلی است و آن خوش‌بو و پهن و دراز به‌قدر انگشتی و زیاده بر آن پرکرده و پوست آن کبود و سرخ و رنگارنگ» (عقیلی خراسانی، ۱۳۸۰: ۱۹۰) و «گل‌های آن به رنگ‌های گونه‌گون است» (تصویر ۱) ساقه‌های ایرسا بندبند و برگش باریک است... ساقه‌های آن گلی دهد که گلبرگ‌های همدیگر را می‌پوشانند و به چندین رنگ درمی‌آیند: قسمی به زردی مایل و ارغوانی هستند و قسمی به رنگ آسمان‌اند و از این اختلاف رنگ آن را رنگین‌کمان خوانند» (ابن‌سینا، ج ۲، ۱۳۸۹: ۷۱) اما به نظر می‌رسد این توصیفات برگرفته از کتب قدیمی‌تر گیاهی چون دیسکوریدوس باشد؛ «بیخ

و مناطق بین استوایی آمریکا یافت می‌شوند.» (زرگری،
ج ۴، ۱۳۷۶: ۵۶۹)

خشخاش

گیاه خشخاش در منابع کهن طبی چون حشایش
دیسقوریدوس این‌گونه توصیف شده است: «انواع بسیار
دارد. بعضی از او می‌روید در بستان‌ها و رزها در زمان
بهار... بالا برآمده باشد از زمین راست مثل یک گز
باشد و شکوفه‌های سرخ دارد مثل شقایق و گاه است
سفید...» (دیسقوریدوس، ۱۳۹۱: ۶۰-۶۲) (تصویر ۴)

در نسخه تحفه حکیم مؤمن از انواع متنوعی گیاه خشخاش
چون: خشخاش ابیض، خشخاش بستانی، خشخاش
بری، خشخاش اسود، خشخاش منشور، خشخاش مقرن
و خشخاش زبدی (۱۳۴۹: ۳۴۴-۳۴۶) نام‌برده شده و
تفاوت این گونه‌ها در میزان ترکیبات و اثرگذاری آن‌ها
دانسته شده است. گیاه خشخاش از تیره شقایقیان است
که به اعتقاد زرگری دارای ۷۰۰ گونه و تعداد فراوانی
از آن‌ها تعلق به پاپاورها (خشخاش) دارند و وسعت
انتشار آن‌ها در کره زمین زیاد است. (زرگری، ج ۱،
۱۳۷۶) «این گیاهان برگ‌هایی به وضع منفرد بر روی
ساقه دارند، پهنک‌برگ آن‌ها نیز غالباً منقسم به قطعات
باریک فراوان است. گل‌های آن‌ها نر- ماده، شامل ۲
کاسبرگ زود افت، ۴ گلبرگ (در ۲ ردیف) (تصویر ۵)،
تعداد زیادی پرچم و مادگی مرکب از تخمدانی چند خانه
است. در بعضی از آن‌ها ۳ کاسبرگ و ۶ گلبرگ دیده
می‌شود. میوه آن‌ها پوشینه یا خورچین مانند (تصویر
۶) و محتوی دانه‌های ریز بسیار است. (همان: ۱۲۲) در
مصارف پزشکی، کیسول عاری از دانه، روغن خشخاش،
تریاک و بعضی آلکالوئیدهای آن بکار می‌رود. تریاک به
علت تأثیر بر روی اعصاب، اثر خواب‌آور و آرام‌کننده
دارد.» (همان: ۱۲۸)

عموماً در نسخ طبی نقش گیاه خشخاش از دو زاویه
به تصویر درآمده است. در بیشتر نسخ از نمای بالا و
به صورت چهار گلبرگی و گاهی با نمای جانبی به صورت
کاسه‌ای روبرو هستیم اما غوزه‌ها، غنچه‌های و برگ‌های
سبز کاملاً قابل تشخیص‌اند. برگ‌های سبز خشخاش با
ساقه‌ای از بوته اصلی و یا متصل به ساقه اصلی به
چند قسم دالبری به صورت متقارن تقسیم شده‌اند. گیاه
زنبق نیز با گلبرگ‌های چندتایی معمولاً به رنگ بنفش
و ریشه غده‌ای مانند همراه با برگ‌های بلند و باریک
که ساقه را در برگرفته‌اند، به تصویر درآمده است.
در تطبیق تصاویر گیاهان بر روی سفال با نمونه‌های
موجود در طبیعت این نکته حائز اهمیت است که بستر
سفال بستری مناسب جهت ترسیم جزئیات گیاه نبوده
است. علاوه بر آن هدف تصویرگر از نگارش چنین
گیاهانی القاء تصویر نزدیک به طبیعت به مخاطبان نبوده



تصاویر ۵ و ۶. گیاه خشخاش از نسخه الحشایش، کتابخانه وین
اتریش، ۵۱۲ م. مأخذ:

Der Wiener Dioskurides «www.facsimilefinder.com»

زیرا که در این شیوه رنگ‌ها محدود و تکنیک زرین‌فام
منحصر و دارای سیاقی متفاوت از دیگر اسلوب‌هاست.
در جدول‌های شماره ۱ و ۲ تصاویری از گیاه زنبق و
خشخاش موجود در طبیعت با نمونه‌هایی از طراحی‌های
سفال‌های صفوی مطابقت داده شده است.

گسترش نقش زنبق و خشخاش بر دیگر آثار هنری عصر صفوی

با توجه به رواج مصرف خشخاش و کوکنار در عصر
صفوی، ارزش و اعتبار این گل در میان تمامی اقشار
جامعه و فراگیری استفاده از آن، راه‌یابی تصویر آن به
هنرهای این عصر دور از انتظار نیست. به زعمی دیگر
نوشیدن کوکنار که از جوشانده پوسته خشخاش به
دست می‌آید در جام‌ها و فنجان‌هایی با نقشی از گل‌های
شقایق‌وار مرسوم بوده است. در واقع این نقوش تلمیحی
است بر مصرف متداول کوکنار و خشخاش. در دوره
صفوی و پس از آن نقش این گل بر آثار هنری رو به
فزونی نهاد. جایگاه خشخاش در زندگی روزانه مردم
عادی و طبقات درباری سبب اشاعه نقش این گل در آثار
هنری گردید. به جز ظروف زرین‌فام نقش خشخاش بر
آثار دیگری مزین است. (تصاویر ۷ و ۸)

نمونه‌های بسیاری در آثار نگارگری (تصاویر ۹ و ۱۰)،
منسوجات (تصاویر ۱۱ و ۱۲)، تجلید و کتاب‌آرایی
(تصویر ۱۳) و قلمدان‌ها به چشم می‌خورد.

در میان بی‌شمار سفال‌های زرین‌فام عصر صفوی که
با نقوش گیاهی آراسته شده‌اند، همنشینی نگاره دو گیاه
خشخاش و زنبق تعداد قابل توجهی را در بر دارد. در این
پژوهش ۱۰ نمونه از ظروف زرین‌فام دوره صفویه که
نقش این گیاهان متلازم با یکدیگر ترسیم شده‌اند از میان
آثار محفوظ در موزه‌ها انتخاب و به نمایش درآمده است.

جدول ۱. تطبیق تصویر گیاه زنبق منقوش بر سفالینه‌های عصر صفوی با طبیعت و فارماکوپه گیاهان دارویی، مأخذ: نگارندگان

تصویر منقوش بر سفال زرین فام صفوی	تصویر گیاه در فارماکوپه گیاهان دارویی	تصویر گیاه در طبیعت
		
مأخذ: www.britishmuseum.org/collection	مأخذ: زرگری، (ج ۴)، ۱۳۷۶: ۵۷۲	مأخذ: https://commons.wikimedia

جدول ۲. تطبیق تصویر گیاه خشخاش منقوش بر سفالینه‌های عصر صفوی با طبیعت و فارماکوپه گیاهان دارویی، مأخذ: همان

تصویر منقوش بر سفال زرین فام صفوی	تصویر گیاه در فارماکوپه گیاهان دارویی	تصویر گیاه در طبیعت
		
مأخذ: www.britishmuseum.org/collection	مأخذ: زرگری، (ج ۱)، ۱۳۷۶: ۱۴۹	مأخذ: www.aydana.com

گیاه خشخاش نیز به شکل گل‌های کاسه‌ای به‌گونه‌ای تصویر شده که میان خالی بودن را به بیننده القا کند. تصویر برگ‌ها به واقعیت بسیار نزدیک‌اند. شکل برگ‌ها از پهن به باریک در دو سوی برگ به قسمت‌هایی دالبری تقسیم‌شده که با ساقه‌ای از بوته گل خارج شده‌اند و یا بر بالای گلبرگ‌های کاسه‌ای نقش شده‌اند. گاهی اشکال دیگری گیاهان زنبق و خشخاش را همراهی می‌کنند. پرتکرارترین این نقوش نقش سرو همراه با دو گیاه و یا با یکی از آن‌هاست. نقش خروس، گوزن و طاووس نیز

در ظروف زرین‌فامی که نگاره زنبق و خشخاش در کنار یکدیگر تصویر شده‌اند عموماً گیاهان به شکل بوته‌ای به تصویر درآمده‌اند. گل‌های زنبق در نقوش سفالی دو گلبرگ جانبی و یک بخش میانی دارند. گلبرگ‌های کناری دو قسمتی و گلبرگ میانی که بزرگ‌تر به تصویر درآمده شامل گلبرگ‌های فرا آمده از گیاه هستند که از دید جانبی یک گلبرگ به نظر می‌رسد. برگ‌های گیاه بلند و باریک از پایه گیاه اطراف ساقه را در برگرفته و غنچه‌های بسته از لای شاخ و برگ بوته تصویر شده‌اند. نقش



تصویر ۸. طرح یک گل خشخاش (شقایق). از یک آلبوم طراحی، دوره صفویه، مأخذ: www.britishmuseum.org/collection



تصویر ۷. پارچه ابریشمی و طلائی با نقش گل خشخاش، دوره صفویه، مأخذ: www.collections.vam.ac.uk

و الگویی برای طبقات پایین جامعه در ترویج آن بوده است. به نظر می‌رسد به دلیل فقدان آیه‌ای صریح در قرآن کریم مبنی بر ممنوعیت مخدرات و بالعکس وجود آیه‌ای در تحریم شراب، استفاده وسیع از انواع مخدرات در طبقه حاکم و درباریان و به تبع آن ترویج عمومی را میسر نموده است. «سید نعمت‌الله جزائری (۱۱۱۲هـ.ق) از علمای شیعی سده یازدهم و دوازدهم مشهور به محدث جزائری از ماده‌ای که وی آن را حشیش نامیده و مردم آن را توتون می‌نامند، یاد کرده است. وی اظهار داشته که درباره حشیش هیچ‌گونه نهی‌ای از امامان (ع) نرسیده است.» (جعفریان، ج ۳، ۱۳۷۹: ۱۱۴۲)

در دربار حاکمان و سلاطین شیعه صفوی اگرچه استعمال کوکنار و مخدرات درازای ممنوعیت شراب آزاد بود اما گاه و بیگاه با ادله مذهبی چون شائبه لهو و لعب و یا ادله سیاسی چون مصرف بیش از حد رجال دولتی و سربازان، مصرف شراب و تریاک منع و مجازاتی در پی داشت. از سویی «عواید نقدی به نام ترجمان که از افراد معتاد گرفته می‌شد و ظاهراً تا زمان شاه‌عباس دوم رایج بود نقش زیادی در عدم تأثیر فرامین شاهان داشت؛ زیرا در ایالات مختلف که ممالک بودند این مبلغ ترجمان به خزانه حاکمان ایالت یا والیان واریز می‌شد و آنان چندان علاقه‌ای به از دست دادن این منبع درآمد نداشتند.» (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۳-۲۴) با این وجود صدور فرامین محکمی از سوی شاهان در نهی از مصرف شراب‌خواری و مواد مخدر و مسکرات بر کتبه‌ها نمودی از رویدادی خطیر در اجتماع داشت. دو فرمان که توسط شاه‌طهماسب و شاه سلطان حسین بر مسجد میرعماد کاشان نصب شده است گویای شرایط اجتماعی آن روز کاشان است. در فرمان شاه‌طهماسب اول به سال ۹۴۱ هجری قمری آمده است، «...از کلیه ممالک محروسه، شراب‌خانه و بنگخانه و معجون خانه و بوزه‌خانه و قوال خانه و...

از نگاره‌های همراه با این دو گیاه بر ظروف زرینفام صفوی است. در پرداختن به جزئیات نقاشی دقت زیادی توسط هنرمند صورت نگرفته زیرا شرایط و بستر نقاشی دشوار و رنگ‌آمیزی ظروف زرینفام محدود بوده اما هنرمند با استفاده از زمینه نخودی و آبی کبالت بر جذابیت بصری افزوده است. به‌طور کلی هنرمند غافل از تقلید نقوش از طبیعت نبوده اما اصراری و امکانی بر جزئی نگاری نیز نداشته است.

ارتباط نقش خشخاش و زنبق بر ظروف زرینفام صفوی

جایگاه علم طب در انسان‌شناسی

در اندیشه فراگیر، علم طب قسمی از علوم طبیعی یا تجربی است؛ اما این تفکر، ماهیت پیچیده علم طب را نمایان نمی‌سازد؛ زیرا علم طب با محوریت انسان‌گرایی بنا نهاده شده تا در جهت کاهش درد و رنج و یا بقای انسان گام بردارد. برخلاف روال تاریخ‌نگاری پزشکی که عموماً زندگی‌نامه نوابغ پزشکی، نگرش آن‌ها، نوآوری‌ها و ثبت و ضبط دستاوردها را در برمی‌گیرد، در نگاهی فراتر از نگارش تاریخ بر محور متن می‌توان علم پزشکی را از دریچه اجتماع و برخلاف علوم طبیعی زیرمجموعه‌ای از علوم اجتماعی دانست. در بررسی تاریخ اجتماعی پزشکی، اغلب پزشکی تجربه‌ای است انسانی در بستر فرهنگ که دستاوردهای این آزمودگی در دستاوردهای فرهنگی نمود می‌یابد. با این رویکرد، تفحص آثار هنری نگرشی خارج از حیطه کلینیکی و درمانی است که به‌واسطه این اسناد اصیل می‌توان تاریخ اجتماعی پزشکی را تبیین نمود.

استعمال دخانیات رویداد عصر صفوی

مصرف دخانیات در دوران صفوی از افعال بارز تفرج و خوش‌گذرانی‌های شاهانه و درباری تلقی می‌شود



تصویر ۱۰. نگاره‌ای از بلقیس ملکه صبا که بر روی یک آلبوم نصب شده است، نقش گیاه زنبق بر زمینه، دوره صفویه، مأخذ: www.britishmuseum.org/collection



تصویر ۱۱. پارچه ابریشمین با نقشی از دسته گل‌های زنبق، سرخ، لاله بر زمینه‌ای صورتی، دوره صفویه، مأخذ: www.metmuseum.org

به نظر می‌رسد عقاید و باورهای عامیانه چون؛ «خوردن شیرۀ کونار آدمی را دلیر می‌کند» (راوندی، ۱۳۶۴: ۲۲۸) و یا به روایت سیاحان؛ کمپفر (۱۳۶۳: ۲۹) و اولناریوس (۱۳۶۳: ۲۹۱) تجویز پزشکان دربار و حرم‌سرا از معجون‌ها و ترکیبات تریاک مانند کونار برای بالا بردن توان جنسی و تقویت شهوت‌رانی شاهزادگان، در ترک چنین ناهنجاری‌هایی بی‌تأثیر نبود. از سویی دیگر کشت خشخاش، تریاک و توتون از قرن شانزدهم به بعد بسط و توسعه یافت. (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۶۰) سیاحان اروپایی به کرات از کاشت و مصرف فراوان مخدرات و مشروبات در این زمان سخن گفته‌اند. شاردن (۱۳۴۵: ۴۹) کشت خشخاش و به دست آوردن تریاک را در زمان صفویه از رفتارهای رایج و محصولی عمده می‌داند و از تریاک لنجان و افیون کازرون به شهرت نام می‌برد.



تصویر ۹. جشن سده از نگاره‌های شاهنامه شاه‌طهماسب، گل زنبق در سمت چپ آتش به صورت منفرد دیده می‌شود، دوره صفویه، مأخذ: www.metmuseum.org/art/collection

را از جمیع ممالک خصوصاً دارالایمان کاشان برطرف ساخته، نگارند که من بعد کسی مرتکب این مناهی شود». (کریمیان و بیدگلی، ۱۳۸۷: ۱۸۸) با وجود گواهی تاریخ‌نویسان بر موضع مذهبی برخی از حکام صفوی چون شاه‌طهماسب علیه مصرف مخدرات، رواج آن در دربار امری بدیهی و رایج قلمداد می‌شد. اگرچه اسکندر بیگ ترکمان در تاریخ عالم‌آرای عباسی (جلد ۱، ۱۳۳۴: ۲۷۹) به اقدام شاه‌طهماسب در حل کردن پانصد تومان تریاک فاروق در آب اشاره نموده است تا مانع از ایجاد شائبه در اعمال عیش و خوش‌گذرانی باشد اما از سویی در عالم‌آرای شاه‌طهماسب (۱۳۷۰: ۴۰۹) شاه با فرمان سفارش به پذیرایی همایون شاه با تریاک و کونار وجهه دیگری از اعتقادات و باور خویش را عرضه داشت. در کتیبه فرمان دیگری از شاه سلطان حسین که به تاریخ ۱۱۰۶ هجری قمری (سال اول جلوس شاه) بر مسجد میرعماد کاشان نصب شده است آمده؛ «کل وجوه بیت اللطف و قمارخانه و چرس فروش و بوزه فروش ممالک محروسه را که هر ساله مبلغ‌ها خطیر می‌شد، به تخفیف و به تصدق فرق فرقدسای اشرف مقدر فرمودیم». (کریمیان و بیدگلی، ۱۳۸۷: ۱۸۸) اما شاه‌عباس اول که اوضاع کشور را وخیم‌تر از هر زمان دیگر می‌دید به راه‌های خشونت‌آمیزی متوسل شد. تا جایی که «تاجران آن را آتش می‌زد؛ اما مردم سرداب‌هایی کنده، به درون آن‌ها می‌رفتند و به استعمال این مواد می‌پرداختند». (جعفریان، ۱۳۷۹: ۱۱۴۳)



تصویر ۱۳. داخل جلد کتاب فتوح الغیب فی الكشف عن قناع الریب تألیف شرف‌الدین حسین بن محمد بن عبدالله طیبی، ش ۱۹۴۵۳، تاریخ جلد: سده ۱۰ هـ. ق. نقش شاخه گل زنبق بر زورق، مأخذ: غلامی مقدم، ۱۳۹۴: ۲۰۳



تصویر ۱۲. لباس ابریشمین، نقش گل‌های زنبق بر حاشیه لبه پایین لباس، در داخل گلدان‌ها و در پشت لباس بافته شده است. دوره صفویه، مأخذ: www.collections.vam.ac.uk



تصویر ۱۵. گلدان زرین‌فام، زمینه نخودی، دوره صفویه، مأخذ: www.britishmuseum.org/collection



تصویر ۱۴. بطری زرین‌فام زمینه نخودی، دوره صفویه، مأخذ: www.collections.vam.ac.uk

بوعلی سینا پزشک دانشمند ایرانی در کتاب قانون، ایرسا را با زنبق برابر دانسته و منظور از ایرسا را ریشه سوسن آسمانگون می‌داند؛ «سوسن آسمانگون گیاهی است دارای ساقه‌های متعدد و گل آن به رنگ‌های گونه‌گون است. سفید و زرد و آسمانی و بنفش و از این رو آن را

زنبق در متون طب قدیم

در کتب و متون کهن طبی گیاه زنبق، ایرسا و سوسن از یک تیره دانسته و خواصی مشابه برای آن‌ها قائل شده‌اند؛ بنابراین در این پژوهش به خواص مشترک گل زنبق، سوسن و ایرسا پرداخته خواهد شد.



تصویر ۱۷. بطری زرین‌فام، زمینه نخودی و آبی کبالت، دوره صفویه، مأخذ: هملن



تصویر ۱۶. پارچ زرین‌فام، بر روی زمینه‌ای از آبی کبالت، دوره صفویه، مأخذ: همان

تنگابنی، ۱۳۴۹: ۱۳۰) اشاره شده است. در قرن دوازدهم هجری قمری کتاب «مخزن الادویه» ترقیم گشت که یکی از مفصل‌ترین و معتبرترین کتاب‌ها در زمینه مفردات پزشکی است. در این کتاب مشهور نیز در بیان خواص ایرسا به ماینت آن با افیون اشاره نموده و آورده است؛ «آشامیدن آن با سرکه یا شراب جهت تشنج امتلائی و هتک عضو و رفع سمیت فطر^۱ و بنج و گشنیز جبلی...» (عقبلی خراسانی، ۱۳۸۰: ۱۹۱) نیز در مدخل سوسن در بخش افعال و خواص «تدهین بدان و آشامیدن یک اوقیه (تقریباً معادل ۷ مثقال و هر مثقال معادل ۴/۶۹ گرم) و نیم آن مسهل و تریاق بنج و کربزه...» (همان: ۵۳۲) می‌داند. تریاق^۲ دارویی است که مضرات زهرها را دفع می‌کند.

کهن‌ترین متن گیاه- داروشناسی فارسی، رسالهٔ طبی «الابنیه عن حقائق الادویه» در سدهٔ چهارم هجری قمری است که در توصیف سوسن آمده؛ «با زهرها بکوشد» (هروی، ۱۳۴۶: ۱۸۷) اما پیش‌تر از این‌ها رسالهٔ ارزشمند ابوریحان بیرونی، «آثارالباقیه» در ستایش امرداد که با گل زنبق پیوند دارد، امرداد را بی‌مرگ و جاودانه توصیف نموده و این امشاسپند نیکوکردار را فرشته‌ای می‌داند «که به حفظ گیتی و اقامهٔ غذاها و دواهایی که اصل آن نبات است و مزیل جوع و ضرر و امراض هستند موکل» می‌داند. (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۳۶) وی

ایرسا نامیده‌اند که رنگین‌کمان را ایرسا گویند» (۱۳۸۹: ۷۱) بوعلی سینا همچنین در مدخل سوسن از خواص درمانی آن نام برده و به خاصیتی اشاره دارد که در این پژوهش به آن پرداخته خواهد شد. وی ویژگی سوسن را این‌چنین بیان نموده است؛ «روغن سوسن پادزهر بنگ^۱ و قارچ سمی و گشنیز است» (قانون، ج ۲، ۱۳۸۹: ۲۴۳) به روشنی می‌توان دریافت که از فواید گیاه زنبق یا سوسن طبیعت ضد افیونی آن است. وی در مدخل ایرسا نیز به این مطلب اشاره نموده است؛ «اگر همراه سرکه تناول شود پادزهر هرسمی است» (همان: ۷۲). مؤلف کتاب اختیارات بدیعی، علی‌بن حسن شیرازی معروف به زین‌الدین عطار (۸۰۶- ۷۲۹هـ.ق) در مقالهٔ اول کتاب که در باب ادویه مفرده است مطالب قابل‌توجهی در تأیید موضوع پژوهش بیان کرده است. زین‌الدین عطار در شرح سودمندی ایرسا آورده؛ «و گویند سودمند در جهت حدت زهرهای کشنده و ادویهٔ سمیه» (انصاری شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۹) در سال‌های بعد، دوره‌ای که ظروف زرین‌فام صفوی با همراهی دو نقش خشخاش و زنبق به اوج خود می‌رسد کتاب «تحفه المؤمنین» توسط محمد مؤمن حسینی تنگابنی پزشک مخصوص شاه سلیمان صفوی در قرن یازدهم نگاشته می‌شود. در این نسخهٔ طبی نیز در باب ایرسا یا بیخ کبود به خواص «رفع سمیت فطر و بنج و گشنیز...» (مؤمن

۱. بنج، معرب بنگ فارسی است و آن گیاهی است خواب‌آور و دور گردانندهٔ حس. (دهخدا، ذیل واژه)
 ۲. فطر: به ضم ف و سکون ط و ر، قارچ - سماروغ
 ۳. تریاک نامند و هر چه در شأن او باشد که حفظ قوه و صحت مزاج و روح بحری کند که رفع ضرر هم نماید به این اسم نامند. (مؤمن تنگابنی، ۱۳۴۹: ۱۴)

مطالعه تحلیلی همنشینی نقش گیاه
زنبق و خشخاش بر ظروف زرینفام
عصر صفوی از منظر اجتماعی/۷۳-۸۷



تصویر ۱۹. بطری زرینفام، دوره صفویه، مأخذ: همان



تصویر ۱۸. بشقاب زرینفام، دوره صفویه، مأخذ: همان



تصویر ۲۱. بشقاب زرینفام، دوره صفویه، مأخذ:

www.collections.vam.ac.uk



تصویر ۲۰. خلط دان، زرینفام، زمینه نخودی رنگ، دوره صفویه، مأخذ: همان

امشاسپندی نیکوکردار و تجلی رستگاری و جاودانگی بود و به سبب همین صفت بیماری و جاودانگی با چنین گیاهی که خاصیت دفع ضرر و سم داشت یکسان دانسته شد. از این رو «امرداد بی مرگ سرور گیاهان بی شمار است؛ زیرا او را به گیتی گیاهخویش است». (بهار، ۱۳۸۱: ۱۵۴ و هینلز، ۱۳۷۳: ۷۵) و «در جهان خاکی نگهبانی و سرپرستی گیاه و رستنی با وی است»^۱ (اوشیدری، ۱۳۸۹: ۱۲۳)

به روشنی به خاصیت زایل کنندگی ضرر یا به عبارتی دفع سمیت توسط دواهایی که بنیان آن از نبات و گیاه است اشاره نموده و آن را از خصایص این امشاسپند که حامی گیاهان و نباتات است می داند. این نکته حائز اهمیت برگرفته از منابع کهن ایران باستان می باشد زیرا که برای هر امشاسپندی گلی است و «گل چمبک (زنبق)^۲ از آن امرداد است». (اوشیدری، ۱۳۸۹: ۱۲۲ و بندهش، ۱۳۹۵: ۸۸) که حامی رستنی ها قلمداد می شد. امرتات

۱. در منابع طبّی کهن گیاه زنبق با سوسن از یک تیره دانسته می شود. در ایران باستان نیز این قرابت بین دو امشاسپند امرداد و خرداد وجود دارد. نزدیکی این دو امشاسپند با گل های منسوب به آنها در ارتباط است زیرا در کتاب بندهش از گل سوسن به عنوان گل ویژه امشاسپند خرداد (هئورتات) نام برده شده است. (بندهش، ۱۳۹۵: ۸۸)



تصویر ۲۳. پارچ زرین فام، زمینه نخودی، دوره صفویه، مأخذ: همان



تصویر ۲۲. بشقاب زرین فام، زمینه نخوری رنگ و خارج ظرف زمینه آبی کبالت، دوره صفویه، مأخذ:

www.britishmuseum.org/collection

می‌گردد به گونه‌ای که در طب سنتی از زنبق به عنوان مصلح خشخاش نام برده شده است. حاج زین‌الدین عطار در رساله مشهور اختیارات بدیعی در بیان منافع و مضرات خشخاش سیاه بر سیل طبیبان به مصلح آن نیز چنین اشاره می‌نماید؛ «صاحب تقویم گوید مصلح وی روغن زنبق و نرگس بود». (انصاری شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴۵) از دیرباز مصرف تریاک یا کوکنار با انگیزه‌هایی جز دارویی مانند لذت‌جویی و سرخوشی مورد استفاده قرار می‌گرفت. گل خشخاش تولیدکننده شیرهای از کاسبرگ یا بخش غوزه مانند است که به تریاک معروف و خاصیت آرام‌بخش، ضد درد و ضد اسهال دارد اما مصرف مداوم آن سبب عوارض و پیامدهایی می‌گردد. برای کاهش این عوارض بنا بر مستدلات منابع موثق طبی، گیاه زنبق و فراورده‌های آن سودبخش بود؛ بنابراین گیاه زنبق مناسب‌ترین گزینه برای حذف مضرات گیاه خشخاش قلمداد می‌شود. ورود نقش گل زنبق در دیگر آثار هنری اشاره به اهمیت درمانی آن و تأییدی بر جایگاه این گیاه در تاریخ پزشکی دارد.

تلازم نقش دو گیاه خشخاش و زنبق تبلوری از تاریخ اجتماعی پزشکی
عموماً آثار هنری بازتاب روایت‌های اصیلی از اوضاع اجتماعی دوران خود هستند. این روایات گاه در پرده تمثیل و نمادها خود را در معرض تماشاگران قرار می‌دهند. کشف این رموز نه تنها ملزم به استدلالات تاریخی است بلکه اشراف بر ابعاد اجتماعی در درجه بالایی از اهمیت قرار دارند. با توجه به بایستگی مبحث پزشکی در اجتماع و تأثیراتی که بر پدیده‌ها می‌گذارد می‌توان تاریخ اجتماعی پزشکی را امری خاص تلقی کرد. تاریخ اجتماعی پزشکی مطالعه‌ای روشنمند است که فارغ از نگاه بالینی با بررسی مناسبات پزشکی بیمار و جامعه، تاریخ را از نو بازخوانی می‌کند. در این نوع نگرش، معلولات، مؤلفه‌هایی هستند که از گذر مقوله طب متفرع گشته‌اند و تحت تأثیر علوم طبی قرار داشته‌اند. همراهی نقش دو گیاه خشخاش و زنبق نمونه‌ای از تأثیرات تاریخ اجتماعی پزشکی در عرصه‌های معمولی زندگی روزمره است. رابطه این دو گیاه بر اساس منافع و مضرات درمانی تبیین

۱. مقصود او از صاحب تقویم، کتاب «تقویم الابدان فی تدبیر الانسان» است که پیش از وی در قرن پنجم هجری قمری نگاشته شده است.

نتیجه

آثار هنری محصول مجموعه‌ای از باورها، افکار، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است که در بستری از فرآیندهای تاریخی شکل یافته‌اند. مذاقه بر آثار هنری و کشف روابط میان نگاره‌ها به بازشناسی و قرائت بدیعی از هر اثر و هر دوره می‌انجامد. همچنین رابطه‌ای دوسویه میان آثار هنری و رویدادهای اجتماعی و علمی برقرار است. عصر صفوی نیز شاهد زایش آثار هنری بی‌بدیلی است که فراتر از کارکرد روایتگر تاریخ‌اند. ظروف زرین‌فام صفوی، واپسین اوج این هنر، با نقوشی اغواگر بخش عظیمی از گنجینه موزه‌های دنیا را در برمی‌گیرند. از نقوش معتابه این آثار، قسمی از ظروف با همنشینی دو نقش گیاهی خشخاش و زنبق است که به تناوب بر جام‌ها، بطری‌ها، بشقاب‌ها و کوزه‌های دهان‌گشاد تکرار شده است. معمولاً هر جا که نقشی از خشخاش است زنبق در کنار آنجا دارد. از سویی تعداد بی‌شمار این ظروف از نوع زرین‌فام، نشانگر کاربرد ویژه توسط طبقه بالای جامعه است. این طبقه اشراف‌منش‌های شاهانه و خوش‌گذرانی‌های درباری را با وجود پذیرش مذهب تشیع از یاد نبرد و به دلایل و عقاید گوناگون استعمال مخدرات و افیون‌ها را در طبقه دربار اشاعه داد. در این زمان گرچه منابع عصر صفوی، سیاحان و کمپانی‌های خارجی مدارک بسیاری در رواج مصرف انواع مخدر ذکر نمودند اما فقه تشیع و حاکمان متشیع صفوی در برابر رغبت و عطش حاکمان و مردمان حکم به حرمت داده بودند. در نتیجه به دلیل رواج بی‌اندازه مصرف مخدرات عصر صفوی استفاده از راهکارهای درمانی برای حذف مضرات و سموم آن امری منطقی و عقلانی تصور می‌شد؛ بنابراین با رجوع به منابع طبی قدیم گیاه زنبق در رفع سمیت خشخاش مؤثر بود. ویژگی ضد سمیت زنبق (ایرسا-سوسن) در دوره اسلامی و در نخستین کتب مفردة طبی مورد توجه مشهورترین حکیمان دوره اسلامی چون ابن‌سینا، موفق هروی، حکیم مؤمن تنکابنی، زین‌الدین عطار و عقیلی خراسانی قرار داشت. خصوصاً که در این منابع به ویژگی زدودندگی سمیت بنج(بنگ) به روشنی اشاره شده است. از سویی زنبق که پیش‌تر در ایران باستان نمادی از امشاسپند مینوی امرتات بود، در کنار نقش گیاه خشخاش زرین‌فام صفوی هم نمودار گشت. امرتات نماد بی‌مرگی و حامی رستنی‌ها، فرشته محافظ غذاها و داروهای زدودنده ضرر و بیماری‌هایی بود که منشأ گیاهی داشتند. لذا با توجه به پیشینه مفهومی و محتوایی گل زنبق در ایران باستان و استمرار آن در متون طبی کهن دوره اسلامی، مقارنه نگاره گیاه خشخاش و زنبق در تناسبی نظام‌مند قرار دارند؛ بنابراین هم‌جواری این دو نقش نه به لحاظ زیبایی و سلیقه هنرمند که شایق و شاید نافر از اراده خویش نقش خشخاش را بر گستره آثار رقم می‌زد بلکه در تظاهر ارتباطات پزشکی است که از ساختاری اجتماعی منبعث گشته است. از این رو تصویرگری توأمان این دو نقش مبتنی بر دلالت‌های طبی این دو گیاه محسوب می‌شود که ریشه و پیشینه‌ای نه به درازای تاریخ اسلامی بلکه فراتر از آن دارد.

منابع و مأخذ

ابن‌سینا، حسین بن عبدالله. (۱۳۸۹). قانون، جلد ۲، ترجمه عبدالرحمن شرف‌کندی، تهران: سروش.
آلن، جیمز ویلسن. (۱۳۸۳). سفالگری اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات هنر اسلامی.

انصاری، علی بن حسن. (۱۳۷۱)، اختیارات بدیعی، تهران: دارویی پخش رازی.

اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۸۹). دانشنامه مزديسنا، چاپ پنجم، تهران: مرکز.

اولئاریوس، آدام. (۱۳۶۳). سفرنامه (جلد ۲)، ترجمه احمد بهپور، تهران: انتشارات فرهنگی ابتکار.

بروس میتفورد، میراندا. (۱۳۸۸)، نمادها و نشانه‌ها در جهان، تهران: کله‌ر و دانشگاه الزهراء(س).

بندش. (۱۳۹۵). به کوشش مهرداد بهار، تهران: توس.



- بهار، مهرداد. (۱۳۸۱)، پژوهشی در اساطیر ایران (پاره نخست)، تهران: آگه.
- بیرونی، ابوریحان. (۱۳۸۶)، آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ترجمه اکبر دانا سرشت، تهران: امیرکبیر.
- ترکمان، اسکندر بیگ منشی. (۱۳۳۴). تاریخ عالم آرای عباسی (جلد ۱)، تهران: امید.
- جعفریان، رسول. (۱۳۷۹). صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست (جلد ۳)، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۴۳)، لغت نامه، تهران: سیروس.
- دیسقوریدوس، برانیوس عین زربی. (۱۳۹۱). حشایش دیسقوریدوس، ترجمه مهران بن منصور بن مهران، تحقیق و تعلیق محمود محمد طباطبایی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- دیسقوریدوس، (۱۳۸۳)، الحشایش، ترجمه مهران بن منصور بن مهران، تهران: انتشارات تصویر نسخ خطی موزه ملی تاریخ علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران.
- راوندی، مرتضی. (۱۳۶۴). تاریخ اجتماعی راوندی، تهران: مؤلف.
- رایگانی، ابراهیم. پاکباز کتج، داوود. (۱۳۹۷). بررسی نقوش سفالینه های زرین فام و ظروف فلزی دوره سلجوقی و ایلخانی و بازتاب زندگی اجتماعی آن عصر، نگره، شماره ۴۷، ص ۲۹-۴۶.
- زرگری، علی. (۱۳۷۶). گیاهان دارویی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شاردن، ژان. (۱۳۴۵). سیاحت نامه شاردن، ترجمه محمد عباسی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- شکرپور، شهریار. شفیع، سید محمد. (۱۳۹۸). رساله «الدره المکنونه» قدیمی ترین سند مکتوب در باب مینای زرین فام، پژوهش باستان سنجی، سال پنجم، شماره ۱، ص ۱۷۹-۱۸۵.
- عقیلی خراسانی، محمدحسین. (۱۳۸۰). مخزن الادویه، تهران: باورداران.
- غلامی مقدم، براتعلی. (۱۳۹۴). بررسی آماری و نمونه ای جلد های نفیس کتابخانه آستان قدس، اوراق عتیق، شماره ۴، ص ۱۱۹-۲۲۰.
- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). هنرهای ایران، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: فرزانه روز.
- کریمیان، حسن. بیدگلی، محبوبه سادات. (۱۳۸۷). معضلات اجتماعی و اقتصادی شهرهای ایران عصر صفوی با استناد به فرمان های حکومتی منقور بر سنگ (مطالعه موردی: اصفهان، یزد و کاشان)، فرهنگ، شماره ۶۸، ص ۱۸۳-۲۵۵.
- کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- مؤمن تنکابنی، سید محمد، (۱۳۴۹)، تحفه حکیم مؤمن، تهران: کتاب فروشی محمودی.
- مؤمنی، محسن. کجباف، علی اکبر. الهیاری، فریدون، (۱۳۸۹)، مواد مخدر در ایران عصر صفوی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره دوم، شماره ۴، ص ۱۵-۲۶.
- واتسون، الیور. (۱۳۸۲). سفال زرین فام ایرانی، ترجمه شکوه ذاکری، تهران: سروش.
- هروی، موفق بن علی. (۱۳۴۶)، الابنیه عن حقائق الادویه، مصحح: احمد بهمنیار، به کوشش حسین محبوبی اردکانی، تهران: دانشگاه تهران.

هینلز، جان. (۱۳۷۳). شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی، تهران: چشمه.

Canby, Sheila. (1999). the Golden Age of Persian Art (1501-1722), London: British Museum.

Fehrevari, Geza. (1973). Islamic Pottery: A Comprehensive Study Based on the Barlow Collection, London: Faber and Faber limited.

Clinton, Margery, (1991), Luster, Batsford, London, p 20.

Ferguson. G. W. (1961). Sign & Symbols in Christian Art, London: Oxford University press.

Lehner, E. Lehner J. (1960). Folklore and Symbolism of Flowers, Plants and Trees,



- Mehran, Persian Translator Mahmoud Tabatabai, Tehran: Tehran University of Medical Sciences.
- Fehrevari, Geza. (1973). *Islamic Pottery: A Comprehensive Study Based on the Barlow Collection*, London: Faber and Faber limited.
- Ferguson. G. W. (1961). *Sign & Symbols in Christian Art*, London: Oxford University press.
- Ferrier, Ronald W, (1995), *The Arts of Persia*, translated by Parviz Marzban, Tehran: Farzan Rooz.
- Gholami- Moghaddam, Barat- Ali, (2015). Statistical and Sample Study of Exquisite Volumes of Astan Quds Razavi Library, *Oragh-e Atigh*, 4, p 119-220.
- Heravi, Mowaffaq-Ibn Ali, (1985), *Al-Abniyahta An-Haghaegha Al-Adviyah*, Edited by Bahmanyar is Ahmad and Hossein Mahboubi Ardakani, Tehran: Tehran University.
- Hinels, John, (1994), *Understanding Iranian mythology*, translated by Ahmed Tafazoli, Jaleh Amoozgar - Ahmad Tafazli, Tehran: Cheshmeh.
- Ibn Sina, (2010), *Canon*, translated by Abdul Rahman Sharafkandi, Tehran: Soroush.
- Jafarian, Rasoul, (2000). *Safavids in the field of religion, culture and politics (Vol 3)*, Qom: Research Institute and University.
- Karimian, Hassan, Bidgoli, Mahboubeh Sadat. (2008). Social and economic problems of cities in Safavid Iran with reference to government decrees engraved on the stone Case study: Isfahan, Yazd and Kashan, *Historical Essays (Culture) (Special History)*, 68, p 183-225.
- Kempfer, Engelbert. (1684). *Kempfer Travelogue*, translated by Kikavus Jahandari, Tehran: Kharazmi.
- Lehner, E. Lehner J. (1960). *Folklore and Symbolism of Flowers, Plants and Trees*, New York: Tudor publishing Company.
- Mo'men Tonekaboni, Seyyed Mohammad. (1970). *Tohfe Hakim Mo'men*, Tehran: Mahmoudi Bookstore Publications.
- Momeni Mohsen, Kajbaf Ali Akbar, Al-Hayari Fereydoun. (2010). *Drugs in Safavid Iran*, *Iranian Journal of Medical Ethics and History*, Year 3 (4), p 15-26.
- Olearius, Adam, (1984), *Travelogue of Adam Alarius*, translated by Ahmad Behpoor, Tehran: Ebtekar Publishing and Cultural Organization.
- Oshidari, Jahangir, (2010). *Mazdisna, Encyclopedia*, Tehran: Markaz Publishing.
- Ravandi, Morteza, (1985), *the social history of Iran*, Tehran: Author.
- Raygani Ebrahim, Pakbaz Kataj, Davood, (2018). *Exploring the Designs of the Seljuk and Ilkhanid Luster Ceramics and Metal Containers and Reflecting the Social Life of That Era*, *Negareh*, 47, p 29 – 46.
- Shakarpour, Shahriar, Mirshafiei, Seyyed Mohammad, (2009), *The treatise «Al-Durra al-Maknuna, the oldest written document on the golden enamel*, *Journal of Archaeological Research*, Fifth Year, No. 1, p 185-179.
- Turkman, Iskandar Beyg Munshi, (1955). *Tarikh -e Alam-ara-ye Abbasi (Vol1)*, Tehran: Omid.
- Watson, Oliver. (2003). *Zarrin Pham Iranian Pottery*, translated by Shokooh Zakeri, Tehran: Soroush.
- Zargari, Ali. (1997). *Medicinal Plants*, Tehran: Tehran university Publication.

history, this study re-reads the works and explores the causes and effects of medical history behind social currents. Accordingly, the research answers the following questions; which social event has been related to the illustration of these two paintings on Safavid Zarrinfam dishes? How is the image of two irises and poppies in the medical history of the Safavid era explained? The present study was performed in a descriptive-analytical manner on the image of two irises and poppies on Safavid Zarrinfam dishes. Collecting information has been done through library studies and observation. The study's statistical population includes Zarrinfam vessels preserved in the British Museum and the Victoria and Albert Museum, and ten samples presented in a selective manner of Safavid Zarrinfam vessels have images of poppies and irises. In this research, we have first tried to compare the images of poppies and irises in nature with the reference images of medicinal plants and the images painted on Zarrinfam pottery to prove the validity of the designs. Then, by introducing sample images and describing the physical and therapeutic properties of ancient medical sources, each in the history of medicine is discussed. Finally, using the contents of encyclopedic medical sources and the impact of social phenomena, the relationship between the image of these two plants and the reason for the association of these two images is explained. The method of analyzing research data is based on qualitative studies. The general results of the study indicate the dependence of two images of poppy and iris related to social behaviors such as the prevalence of Safavid drugs. Due to the widespread prevalence of Safavid narcotics, therapeutic strategies to eliminate their harms and toxins were considered logical and rational. Therefore, the connection between these two images can be considered a crystallization of medical history. According to reliable ancient medical sources in the Islamic period and pre-Islamic sources, the iris plant has been used for its opium-repellent properties. As a result, the proximity of these two images is not in terms of aesthetics, but in the manifestation of medical communication that has arisen from a social structure.

Keywords: Iris Plant, Poppy Plant, Zarrinfam Dishes, Islamic Medicine, Safavid Era

References:

- Allan, James Wilson. (2004), *ceramics Islamic*, translated by Mahnaz Shayestehfar, Tehran: Islamic Art Studies.
- Abolghasem Dadvar, Zahra Taran, Tehran: Kalhor; Al-Zahra University.
- Ansari, Ali Ibn Hussein, (1992). *Ikhtiyarat-e Badi*, Tehran: Razi Distribution Company.
- Aqili Khorasani, Mohammad Hoseyn. (2001). *Collection of Drugs (Materia Media)*, Tehran: Bavardaran.
- Bahar, Mehrdad. (2002). *Research in Iranian mythology (first part)*, Tehran: Agah.
- Biruni, Abu Rayhan. (2007). *Al-athar Al-baqiyah an Al-qurun Al-khaliyah*, translated by Akbar Danasersht, Tehran: Amirkabir Publishing House.
- Bruce-Mitford, Miranda. (2009). *Illustrated Culture of Symbols and Signs in the World*, Translated by Abolghasem Dadvar, Zahra Taran, Tehran: Kalhor; Al-Zahra University.
- Bundahishn, (2016), translated by Mehrdad Bahar, Tehran: Toos.
- Canby, Sheila. (1999). *the Golden Age of Persian Art (1501-1722)*, London: British Museum.
- Chardin, Jean, (1966), *Chardin's travelogue*, Mohammad Abbas Tehran: Amirkabir.
- Clinton, Margery, (1991), *Luster*, Batsford, London.
- Dekhoda, Ali-Akbar, (1964). *Encyclopedic dictionary*, Tehran: Sirus.
- Dioscorides Pedanius, Anazarbos. (2012). *Al-Hashish*, Translated by Mehran Ibn MansourIbn

Analytical Study of the Accompaniment of the Image of the Iris and Poppy Plant on the Zarrinfam Dishes of the Safavid Era from a Social Perspective

Seyyede Maryam Poursaleh Amiri, PhD Student, Comparative and Analytical History of Islamic Art, Faculty of Theories and Art Studies, Art University, Tehran, Iran

Seyyed Saeed Seyyed Ahmadi Zavieh, Associate Professor, Comparative and Analytical History of Islamic Art, Faculty of Theories and Art Studies, Art University, Tehran, Iran

Received: 2021/04/28 Accepted: 2021/08/31



Safavid art can be recognized from the magnificence of architectural works and decorative arts and paintings. Zarrinfam dishes of this era are part of the latest masterpieces of Zarrinfam of Iran, which were manifested in different fields in illustration. Unlike Safavid blue and white porcelain, Zarrinfams are designed without elements from the Far East. From about this period until the thirteenth century AH, the Zarrinfams were decorated with plant and animal motifs. Among the countless Zarrinfam pottery of the Safavid era, adorned with plant motifs, the image of the poppy flower increased. Plant motifs and especially the accompanying image of two plants, poppy and iris, can be seen in abundance in the Zarrinfam of this period. Iris or Irsa is one of the most frequently used designs on works or often with poppies on dishes. The iris was previously a symbol of Amesha Spenta Ameretat in ancient Iran. Ameretat was a symbol of immortality and protection of plants, guardian angel of foods and medicines to eliminate harm and diseases of plant origin. However, the repetition of the image of the poppy plant can be related to the situation of the Safavid society in the consumption of various sedatives that were widespread in the daily lives of ordinary people and of the court. These motifs are an allusion to the typical consumption of Kooknar and poppy, which was used with motives other than medicine, such as pleasure and euphoria. Widespread beliefs, such as the encouragement or increase of sexual potency among the upper class, seem to have been among the causes of drug overdoses in this period. However, religious rites and religious rulings could not prevent the overuse of drugs, because there was no definite ruling on the prohibition of drugs in Islamic jurisprudential discussions, and therefore they had become very popular among the rules of the Safavid Shiite rulers. On the other hand, the ban on the consumption of wine among religious people led them to resort to other entertainments, such as various drinks and delightful snacks in coffee houses and poppy houses. The prevalence of opium use in this era caused physicians and perfumers to think of a medicinal solution to reduce the harm. Therefore, treatment strategies such as remedies or antidotes were used to reduce its side effects based on medical sources. The purpose of this article is to obtain the conceptual references of the image of poppy and iris concerning social phenomena and to explain the reason for the accompanying image of these two plants on Zarrinfam dishes. With the aim of a different approach to reading medical